اخبار

بی‌مهری‌ها به «شیار ۱۴۳» همچنان ادامه دارد

فیلم برگزیده مردمی جشنواره فجر بدون سرگروه

فیلم سینمایی «شیار ۱۴۳» با موضوع مادری که سال‌ها چشم‌انتظار بازگشت فرزندش از جبهه است در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد که تحسین مردم و منتقدان را به دنبال داشت. این فیلم ابتدا اجازه حضور در جشنواره را نیافته بود ولی با پیگیری اهالی رسانه و منتقدان و نظر مساعد دبیر جشنواره امکان رقابت یافت که در نهایت فیلم برگزیده مردم شد. این فیلم به دلیل موضوع و صحنه‌های تاثیرگذارش درباره موضوع شهدا و مادر یک شهید به یکی از پدیده‌های سینمای دفاع مقدس تبدیل شده است. محمد حسین قاسمی تهیه‌کننده «شیار ۱۴۳» از بلاتکلیف بودن این فیلم در اکران و نوع برخورد مسؤولان و مدیرانی که بر اکران فیلم‌ها تاثیرگذارند، گله کرد.به گزارش مهر، محمدحسین قاسمی، یکی از تهیه‌کنندگان فیلم سینمایی «شیار ۱۴۳» از بلاتکلیف بودن این فیلم در اکران انتقاد کرد و در یادداشتی از این موضوع گله کرد.

متن کامل یادداشت این تهیه‌کننده به این شرح است:

نیمه مربیان یا نیمه...

این روزها تب فوتبال داغ شده تا حدی که حال و روز سینما و فیلم ما هم به نوعی فوتبالی شده. انگاری جشنواره و حضور در آن و کسب نتایج توسط فیلم «شیار ۱۴۳» یک نیمه از بازی تمام عیار فیلم در عرصه سینمای ایران بوده و هنوز نیمه دوم آن که به نوعی حیات فیلم نیز به آن بستگی دارد بلاتکلیف است؛ نیمه دومی که برای مربیان است. روزهای پس از جشنواره بود و درخواست‌های متعدد پخش‌کننده‌ها و با فیلمیران به عنوان یکی از قدرتمندترین پخش‌کنندگان فیلم قرارداد بسته شد. در گام نخست مهم‌ترین دغدغه زمان اکران فیلم بود و عید نوروز به عنوان پیشنهاد اولیه مطرح شد. این پیشنهاد به همان راحتی که مطرح شد به همان آسانی نیز کنار گذاشته شد و اکران عید نوروز به فیلم‌هایی رسید که از قبل اکران نوروز، به نامشان خورده بود. بسیاری از دوستان و مسؤولان قول همکاری برای بهترین زمان اکران سال، بعد از نوروز را دادند و گفتند اکران عید فطر پیش‌روست و خیالتان راحت، تمام قد کنارتان هستیم و بر همین اساس برنامه‌های خود را برای اکران عید فطر تنظیم کردیم و کار شروع شد. اما انگار شروع نشده بود و ما خیال می‌کردیم شروع شده است. هر چقدر ما پیگیرتر و صریح‌تر بودیم جواب‌ها گنگ‌تر بود. بعدها فهمیدیم باز در مسیری ما را قرار داده‌اند که زمان را از دست بدهیم تا فرصت تصمیم‌گیری نداشته باشیم.بارها به ما گفتند فیلم شما نیاز به سرگروه ندارد و بروید به‌طور آزاد اکران کنید. فیلمی که بهترین فیلم از نگاه مردم در جشنواره فجر بوده نیاز به سرگروه ندارد! آنقدر این حرف را با آرامش‌خاطر می‌گفتند که گویی در ذهن خودشان چنین سرنوشتی برای این فیلم متصور بودند. فیلم در چند سینمای اندک به نمایش درآید و همین. فیلم را در مسیری حرکت دادند که مخاطب به آن دسترسی نداشته باشد. این بلاتکلیفی هنوز ادامه دارد و زمان اکران آن وابسته شده به اینکه فیلمی از گردونه رقابت اکران عید فطر خارج شود و از پرده پایین بیاید تا فیلم «شیار ۱۴۳» بر پرده سینماهای ایران نقش ببندد. واهمه دارم، بیشتر از این واهمه دارم مسیری را که با خون دل از سال گذشته در آن حرکت کرده‌ایم، به پایان نرسانیم. شرمندگی‌اش برای من می‌ماند که نماینده خوبی برای نسلی که رمز ماندگاریمان شدند، نبودم.

***یکی از تهیه‌کنندگان فیلم «شیار ۱۴۳»**
جمعه نیمه شعبان المعظم- ۲۳ خرداد ۱۳۹۳

حسن فتحی رئیس هیأت داوران مسابقه تلویزیونی شد

رئیس هیأت داوران جشنواره و مسابقه بزرگ «ستاره ۲۰» گفت: از بین دهها هزار اثر رسیده به این جشنواره تنها ۶ هزار نفر وارد مرحله دوم می‌شوند. حسن فتحی؛ کارگردان سینمای ایران و سرپرست داوران جشنواره بزرگ «ستاره ۲۰» گفت: این مسابقه راهی است برای اینکه فضایی فراهم شود تا استعدادهای بازیگری از سراسر ایران شناسایی شوند و همگان بتوانند از فرصت یکسان برای بازیگری بهره‌مند شوند. وی افزود: خوشبختانه استقبال خوبی از سوی هنرمندان برای داوری این مسابقه به عمل آمده و شرکت‌کنندگان نیز استقبال شایانی از این مسابقه داشته‌اند و ما در حال حاضر داوری بخش اول را برای انتخاب‌ها آغاز کرده‌ایم. فتحی ادامه داد: کار گزینش آثار برای هیأت انتخاب بسیار سخت است زیرا دهها هزار اثر به این مسابقه رسیده است و ما مجبوریم از این تعداد تنها ۶ هزار نفر را برای ورود به دوره بعدی انتخاب کنیم. رئیس هیأت داوران جشنواره و مسابقه بزرگ ستاره ۲۰ اضافه کرد: برنامه‌ریزی‌ای که درباره داوری این جشنواره و مسابقه بزرگ بازیگری شده است تغییر داوران در هر دوره است. وی ادامه داد: در هر دوره از مسابقه داوران تغییر می‌کنند تا کار حرفه‌ای‌تر پیش رود و ما برای انتخاب ستاره‌ها کمتر دچار انتخاب‌های سلیقه‌ای داوران شویم.

گفت‌وگو با حامد عزیزی، گوینده و دوبلور درباره موج دوبله‌های زیرزمینی

مدیران GEM در تهران پایگاه دارند!

عکس: ابراهیم حیدری، وطن امروز

ادامه از صفحه ۸

قابل تسویه کردن نبودند. نیرویی که ۲۰ سال زمان طول کشید به این سطح برسد، نمی‌شود قیچی‌اش کرد. خیلی سیاست‌های عجیب و غریبی در آن مقطع جاری بود. سعی کردند نیروهای دیگری بیاورند اما نشد. خیلی از نیروهایی که بعد از انقلاب گرفتند نیروهایی بودند که ستاره شدند؛ مریم شیرزاد، کیکاووس یاکیده، امیر صمصامی، منوچهر زنده‌دل، شروین قطعه‌ای و... استعدادهایی بودند که طی یکی دوسال خودشان را بروز دادند. عرض من این است که وقتی به مقطع بعد از انقلاب می‌رسیم فیلم خارجی برای دوبله نبود و ضرب هنرمندانه گویندگان در فیلم‌هایی ایرانی بروز پیدا می‌کند که بدون شک حماسه فیلم‌های دهه ۶۰ روی دوش دوبلورهای ایرانی بود. البته می‌خواهم به بررسی مقطع دهه ۶۰ تا پایان دوبله امام علی(ع) که توسط بهرام زند انجام شد بپردازم. با این اوصاف دوبلورها حماسه بسیار بزرگی را خلق کردند. نقش دوبلورها در ترویج فرهنگ جبهه و فرهنگ انقلاب غیرقابل انکار و قابل مطالعه است. یعنی پتانسیلی که شاه فراهم آورد کارکردش در مسیر ارزش‌های انقلاب قرار گرفت و بدون شک تاثیرگذاری فیلم‌های مقطع جنگ و فیلم‌هایی که در آن دوره درست شده بود با صدای اسطوره‌های دوبله غیرقابل کتمان است. ایرج ناظریان خدابیامرز در توبه نصوح به جای فرج‌الله سلحشور صحبت می‌کرد، بی‌نظیر بود؛ داستان مذهبی شنیده می‌شود، دیالوگ مذهبی شنیده می‌شود، حالا نقش دوبله می‌شود ترویج فرهنگ اسلامی. در مقطع بعدی فیلم‌های ابراهیم حاتمی‌کیا را دیدیم که دوبله‌های دوبلورهای ما به مرز شاهکار رسید. رسول ملاقلی‌پور بازیگر آنچنانی نداشت اما دوبله، تمام کاستی‌های آثار این بزرگان را جبران می‌کرد و یک الماس تراشیده شده عالی به مخاطب ارائه می‌داد و سبب می‌شد مردم همچنان به سینما هجوم بیاورند و فیلم ببینند.

■ **منوچهر نوذری در دهه ۶۰ در همین استودیوهای دوبله به دوبلورها می‌گفت وظیفه ما در این شرایط جنگیدن نیست بلکه فیلم جنگی را به نحو احسن و تاثیرگذار دوبله کردن است و می‌گفت کار شما کمتر از جنگیدن در مقابل دشمن نیست؟**

واقعیت همین است. مثلا ایرج رضایی درباره فیلم پوتین می‌گفت چون تمام فضای فیلم فضای اسارت بوده است قرارهایش با گویندگان را بعد از ساعت ۵ می‌گذاشته است تا گوینده تازگی صدای صبح را نداشته باشد و خستگی صدای ۵ بعدازظهر را با خودش به استودیو بیاورد. این تدبیرها در سینمای ملی ما اثر می‌گذاشته است و سینمای دهه ۶۰ روی اقشار مختلف و توده‌ها تاثیر می‌گذاشت. آقای شمقدری در جشن دوبله در سال ۸۸ گفت بنده اعتقاد قلبی‌ام این است که از زمانی فیلم‌های سینمای ایران به این وضع افتاد، نفروش شد و توده‌های مردم نرفتند سینما که دوبله را از فیلم‌فارسی برداشتیم. در کت من نمی‌رود که آقای پوریا پورسرخ شاه‌اشکانی باشد. در کت من نمی‌رود که فرمانده دلاور صورت و فیزیک را دارد اما صدا را ندارد. چطور برای یک بازیگر، لباس و گریم کاراکتری را که باید بازی کند فراهم می‌آوریم و این همه بزک و دوزک برای اینکه به نقش نزدیک شود فراهم می‌شود اما صدایش را تغییر نمی‌دهیم. از سال ۸۰ به بعد دوبله را از فیلم فارسی جمع می‌شود یعنی از سال ۷۵ به بعد به تدریج قیچی می‌شود. یکسری قوانین بدون پشتوانه می‌گذارند و گویندگانی که از طریق گویندگی در فیلم‌فارسی امرار معاش می‌کردند به وضعیت نامطلوب مالی گرفتار می‌شوند. از این طرف دقت کنید به این مساله که چرا فارسی وان برای پخش سریال‌هایش از دوبله استفاده می‌کند؟ چون نبض مخاطب را به‌خوبی می‌شناسد و می‌داند بخش اعظمی از مخاطبانش بانوان هستند. در روانشناسی گوش دادن داریم که خانم‌ها عمدتا از راه گوش به روایت و داستانی تازه علاقه‌مند می‌شوند و برایشان مهم است تصویری را که می‌بینند با چه صدایی همراه باشد. پس از سال ۷۷ وارد مقطعی می‌شویم که عمده هنر گویندگان در تلویزیون متمرکز می‌شود و سریال‌های خارجی زیاد نمایش داده می‌شود و بازهم شاهد هستیم که سریال‌ها پربیننده می‌شود حتی سریال‌های در پیت آلمانی هم پرمخاطب می‌شود. می‌بینیم که سریال‌هایی مثل بادبان‌های برافراشته تا سریال‌های کره‌ای مثل جواهری در قصر و جومونگ و... هشدار برای کبری ۱۱ به دلیل اینکه صداها روی تصویر مچ می‌شود برای بینندگان جذابیت دارد و پربیننده می‌شود. حالا باید بررسی کنیم که به بدنه سندیکای اصلی گویندگان برای چه آسیب می‌بینند؟ فیلم‌فارسی ندارد دوبله کند و سینمای ما اجازه ورود فیلم خارجی نمی‌دهد. سینمای تک‌محصولی ایران یک مدل غذای خاص آپارتمانی به مخاطبانش می‌دهد و می‌گوید باید این را بخورید که خیلی‌ها نمی‌خورند. مسؤولان فرهنگی هنوز نمی‌دانند اینترنت و ماهواره‌ای آمده و مسلم است مخاطب سینما این آش شور را نمی‌خورد. ما باید بپذیریم که در عرصه فرهنگی با عدم ورود فیلم خارجی و عدم نمایش در سینماها باختیم و عرصه را به اینترنت و ماهواره واگذار کرده‌ایم. عرصه فرهنگی کنونی الان به غلام تکثیرها (قاچاقچیان فیلم) که سریع دانلود می‌کنند و زیرنویس می‌زنند و وارد بازار می‌کنند، تعلق دارد. چرا خودمان داریم این کار را با فرهنگ خودمان می‌کنیم؟

■ **چند نفری که از سندیکای اصلی گویندگان برای همکاری با GEM به مالزی رفتند؛ برای سندیکای شما بد نشد؟**

برای انجمن ما بد است یا متولیان فرهنگی؟ اگر یک دوبلور هنرمند است چرا دستمزدش به اندازه یک هنرمند نیست. امثال محمدرضا مومنی باید صبح تا شب یک لنگه پا در استودیو باشند از ۹ شب تا ۹ صبح که بگیرند ۳۰۰۰۰ تومان. انجمن چه کاری می‌تواند بکند؟ من شما را ارجاع می‌دهم به مصاحبه اخیر منوچهر والی‌زاده که گفته است من دستمزد ۱۵ سال پیش را دریافت می‌کنم یعنی متاسفانه درست می‌گوید. شما باورتان می‌شود که منوچهر والی‌زاده یک روز برود کار کند و ۷۰ هزار تومان دستمزد بگیرد. بعد مردم فکر نکنند این ۷۰ هزار تومان هر روز تکرار می‌شود، خیر، با این آشفته‌بازاری که امثال رئیسی به راه انداختند، والی‌زاده در خوشبینانه‌ترین حالت ماهی ۱۰ روز سرکار می‌رود. مردم شاید ندانند از ۹ صبح تا ۹ شب ۷۰ هزار تومان می‌گیرد. آیا سرمایه فرهنگی یک مملکت باید ۷۰ الی ۸۰ هزار تومان دستمزد بگیرد. من در حال حاضر دستمزد روزانه‌ام ۳۰ هزار تومان است، چه جوری باید زندگی‌ام را بچرخانم؟

■ **محمدرضا و مریم سیگارودی یا محمدرضا مومنی تا زمانی که به مالزی (مرکز دوبله GEM) نرفته بودند فوق‌العاده بودند، هیچ چیزی از یک گوینده تراز اول کم نداشتند! من نگران هستم این ۱۵ نفری از انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم جدا شدند و به مالزی رفتند به ۱۵۰ نفر برسد. مثل شما، کتایون اعظمی، رضا آفتابی و شایان شامبیاتی و صدها نفر دیگر مثل این گویندگان عزیز.**

امثال دوستان و همکاران من که اسم بردید قطعا نتوانسته‌اند دخل و خرج خودشان را تامین کنند. چرا این شرایط وجود دارد؟ وقتی در رسانه‌های ما فیلم باکیفیت وارد نمی‌شود، مضاف بر این احوالات پول درست و حسابی نمی‌دهند، وضعیت فروش فیلم‌های مجوزدار در شبکه نمایش خانگی از بین رفته است و تلویزیون هم پولی نمی‌دهد، یک گوینده از کجا بیاورد بخورد؟ روزی چندین تلفن به هر کدام از اعضای سندیکا می‌شود که کاملا وسوسه‌کننده است. کارشان به جایی رسیده که به بردن یک یا دو گوینده اکتفا نمی‌کنند بلکه می‌خواهند گروهی گویندگان را تطمیع کنند و از این مملکت ببرند. حالا در این هیاهو آقایی به نام مهرداد رئیسی وارد این عرصه می‌شود. ببینید چه بلایی سر این صنف ۷۰ ساله می‌آورد. ایشان ۴ میلیارد سرمایه در این چند سالی که با ماهواره‌ها همکاری می‌کردند به‌دست آوردند و از شبکه‌های ماهواره‌ای پول گرفتند. ۳ میلیارد را گذاشته در بانک و ماهی ایکس تومان دریافت می‌کند. در مقابل یک عده هم هستند که عاشق این کار هستند و هیچ استعدادی ندارند. پول هم می‌دهند تا یک خط را پشت میکروفن بنشینند و بگویند. تو را به قرآن مرا سانسور نکن. پولش را که دارد از جایی دیگر درمی‌آورد. آژانس هواپیمایی مانده از پدرش را که دارد، ساخت‌وساز هم که انجام می‌دهد. معذرت می‌خواهم یک مشت ساده‌لوح هم که ریخته دور و برش که عشق دوبلوری دارند و میلیون‌ها می‌دهند که فقط در کلاس‌های انجمن شرکت کنند. رئیسی به سازمان صدا و سیما می‌گوید آقای صدا و سیما، دوبلورهای سندیکا چقدر می‌گیرند، سازمان پاسخ می‌دهد ایکس تومان. وی پاسخ می‌دهد من ایکس تومان را هم نمی‌گیرم، صفر تومان می‌گیرم. یعنی با شکستن قیمت‌ها و گرفتن سفارش از سازمان صدا و سیما کاری کردند که فیلم و انیمیشنی دیگر در سازمان برای دوبله کردن نباشد. رئیسی شاید الان ایران نیست اما بساطی که علم کرده و هنوز به چرخه خود ادامه می‌دهد، انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم را به خاک سیاه نشانده است. دوبلورها و مدیران دوبلاژ ما که از سازمان پولی نمی‌گیرند اما رئیسی برای اینکه چرخه آموزش و مشتاقانی که به آنجا هجوم برده‌اند را تامین کند، سفارش مجانی از سازمان می‌گیرد. با این حربه یک سندیکای قدیمی و اصلی را نابود می‌کند، سندیکایی که پای ارزش‌های انقلاب و جبهه ایستاد. یعنی بلایی که در این مدت رئیسی بر سر انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم آورد بی‌سابقه بود. کل سندیکا و دوبله را به عنوان سرمایه فرهنگی (که طی سال‌های اخیر توی سرشان می‌زنند و مجبورند ساعت‌ها در استودیوهای بی‌نور کار کنند) نابود کرد. مدیران ما هم به جای اینکه به این سندیکا بگویند که خیلی ممنون هستیم که سینمای بعد از انقلاب مقدس را موجب اعتلایش شدید، سریال‌های ماندگار امام علی(ع) و امام حسن(ع) را دوبله کردید، هزاران موارد ناجور تهاجم فرهنگی را از درون مایه آثار سینمایی غرب بیرون کشیدید، زهر آثار سینمایی غرب را گرفتید، ما از شما سپاسگزاریم و به جای اینکه معیشت گویندگان را تامین کنند، منت سرشان می‌گذارند که شما ایکس تومان می‌گیرید، رئیسی پول هم نمی‌خواهد. این رفتار عین سبوعیت است که در مواجهه با یک صنف هنری صورت می‌پذیرد. الان که من در سندیکای اصلی هستم این موضوع را می‌فهمم. شاید قبل از اینکه وارد سندیکا شوم تصورم این بود که دوبلورها زیاده‌خواه هستند اما الان می‌فهمم که امثال استاد منوچهر والی‌زاده چه می‌کشند و چه می‌گویند. الان که خودم وارد این صنف شدم و یک بچه دارم می‌فهمم بزرگان این عرصه چه می‌کشند. به خدا خیلی از این بزرگان نمی‌توانند درد خود را فریاد بزنند. عزت‌نفس دارند. اصغر افضلی برای چه اینقدر زود دار فانی را وداع گفت؟ آقایان! مسؤولان فرهنگی مملکت! بسیاری از این گویندگان دبدبه و کبکبه داشتند، اوایل دهه ۶۰ وضع مالی بزرگان این صنف فوق‌العاده بوده است، حتی آنهایی که بعد از انقلاب وارد این حرفه شده‌اند. کسانی که ۳۰ سال فرهنگ اسلامی و ایرانی را در یک بزنگاه مهم تاریخی دهه ۶۰ به مردم منتقل کردند چرا باید برای ارتزاق اموالشان را بفروشند تا معیشت‌شان تامین باشد؟ بسیاری از این عزیزان، هکتارها ویلا داشتند و در طول این سال‌ها خرده خرده آنها را فروختند و نان شب خود را تامین کردند، آیا حق‌شان این است؟ بسیاری از این بزرگان وضعیت معیشتی خوبی ندارند، معلوم است که جلوی هیچ مدیر دولتی هم دستشان را دراز نمی‌کنند. آن وقت سؤال اصلی برخی از دوستان این است که چرا پانزده نفر از اعضای سندیکا مهاجرت کرده‌اند؟ معذرت می‌خواهم، یکی از همین مسؤولان فرهنگی وقیحانه گفت خدا دوبله را بیامرزد. اگر دوبله مرده است چرا شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای میلیاردها پیشنهاد می‌دهند تا موجب کوچ بزرگان دوبله شوند؟ الان با این وضعیت مساله ما یک مهرداد رئیسی نیست. مساله ما الان پنجاه تا مهرداد رئیسی است که همزمان برای شبکه‌های ماهواره‌ای کار می‌کنند. ای‌کاش فقط یک نفر رئیسی ظهور کرده بود. دارند در عرصه دوبله تاخت و تاز می‌کنند. دوبله یک فیلتر بسیار مهم است که بچه من،بچه تو، منظورم بچه شماست آقای مسؤول فرهنگی! می‌خواهد بزرگ شود و حرف زدن یاد بگیرد. حرف زشت زدن، حرف بد زدن، آهنگ کامران و هومن، تقلید لهجه‌های اقوام مختلف، فرهنگسازی نیست که از طریق انیمیشن‌های دوبله‌های زیرزمینی به این نسل منتقل می‌شود. شرم بر مسؤول فرهنگی که این سخنان را می‌شنود اما همچنان دلش می‌خواهد آهنگ‌های لس‌آنجلسی در انیمیشنی که دوبله می‌شود باشد. گذاشتن آواز کامران و هومن به خدا در یک انیمیشن ضدفرهنگ است. فیلتر دوبله می‌تواند جلوی نفوذ فرهنگ مهاجم را بگیرد، نه اینکه خودش به جریان ضدخودش بدل شود سؤالم با این اوصاف از مسؤولان فرهنگی این است که چرا متولیان هر انیمیشنی را به هر گروه نامربوطی می‌دهند؟ حالا بدتر از آن این است که موسسات و بسیاری از متولیان اگر انیمیشن سفارش می‌دهند می‌گویند به همان سبک و سیاق رئیسی دوبله کنید، بازار می‌طلبد. این دستور و سفارش یعنی سی سال زحمت گویندگان و دوبلورهای کارکشته را آقای رئیسی هدر داد. رئیسی به قدری فضا را آلوده کرد که مسؤولان فرهنگی می‌زنند توی سر دوبلورها که چرا غر می‌زنید! مگر دارید چکار می‌کنید که اینقدر مدعی هستید. حالا فهمیدید نقش گوینده و دوبلاژ یعنی چه؟ در فرآیند استقبال از هنر صنعت دوبله، طی یک مقطع هشت ساله کلاسیک دیدن تبدیل شده به روحوضی دیدن یعنی یک مضمون کلاسیک یا یک روایت کلاسیک مثل سیندرلا، زیبای خفته یا هورتون تبدیل شده است به هزل و هجو دیدن و این فرهنگ هزل و هجو برای نسل کودک و نوجوان تبدیل به فرهنگ می‌شود. آردانی گفت ناناز ناناز، دامبولی گفت دارام دیرام دیمبولی دام دیدام دام. فرهنگ کامران و هومن لس‌آنجلسی وارد فرهنگ ما شد. میوه ترش کلاسو نمی‌خوام و هزاران جفنگ دیگر. هر چقدر آمریکایی و اروپایی‌ها در حوزه فرهنگ دارند با سرعت نور مفاهیم مد نظر خودشان را به بچه‌هایشان منتقل می‌کنند ما با اشتباه ندیدن و نخواستن نقش دوبله در فرهنگ عمومی در نسبت با توده‌ها داریم به این هنر لطمه می‌زنیم. انیمه هورتون یک لایه زینگیل و مینگیل داشته باشد دوبله‌اش لمپنی می‌شود، اما مفهوم اصلی‌اش که شما در کائنات هیچ نیستی در دوبله فیلم گم می‌شود. حالا در سیر دوبله این فیلم فرهنگ لس‌آنجلسی جایگزین این مفهوم می‌شود. اصل انیمیشن می‌گوید شما در مقابل آفریده‌های خدا جزء قابل دیدن نیستی. شما این مفهوم را چگونه می‌توانی به یک کودک منتقل کنی و متاسفانه دوبله روحوضی این اثر از رسانه‌های ما چندین بار پخش می‌شود. همین مفهوم که بشریت جزئی از کل است که در سراسر این انیشمین جاری است در دوبله از دست رفت و تبدیل به نمایشی تخت حوضی شد. هورتی دادام دیدام دیداردیدام تهران جلس نبش در لس‌آنجلس... دوبله در فرهنگ ما زهر تهاجم فرهنگی را می‌گیرد. شما بروید ایتالیا دوبله‌های آنجا را ببینید، آنجا زهر فیلم‌هایی هالیوودی را می‌گیرند و نمایش می‌دهند.

■ **در بعضی دوبله‌های قدیمی سلامتی بوده که قابل تامل است. فرهنگ مهاجم را ویراستاران و مدیران دوبلاژ تعدیل می‌کردند و گاهی مفاهیم غیراخلاقی را اخلاقی می‌کردند.**

دقیقا و علی کسمایی و منوچهر اسماعیلی استاد این کار بودند. با اینکه شاه و سیستم طاغوت روی این حرفه سرمایه‌گذاری کرده بود اما آنها به تکلیف خودشان عمل می‌کردند. خود آقای اسماعیلی می‌فرمودند در محمد رسول‌الله حین غزوه بدر ذوالفقار حضرت علی(ع) نشان داده می‌شود، من دیدم نقش حضرت خیلی کم است و فقط ذوالفقار ایشان دیده شود. حالا در نظر داشته باش این مسائل متعلق به قبل از انقلاب است. اما همه این بزرگان ریشه مذهبی دارند. هنوز هم با این بزرگان جوری برخورد می‌کنند که از کره دیگری آمده‌اند. گفت به پلانی رسیدم که مربوط به غزوه بدر بود. در آن کادر می‌بینی حمزه همراه سمت راست و چپ خود را معرفی می‌کند و همراه سمت چپش حضرت علی است. من بر آن کلمه علی چنان تاکیدی گذاشتم که چهار ستون بدن مخاطب در سینما بلرزد و واقعا همین کار را هم کرده است و بعد شمشیر در کادر می‌آید. دوبله تاثیر گذاشته است، یعنی لزومی ندارد بیاید گل درشت این حرف را بگذارد. من موفق شدم بعدها این فیلم را در سالن ببینم، تاثیر صدای اسماعیلی در این صحنه واقعا مو را به تن آدمی سیخ می‌کند. مثلا درباره بلمی به سوی ساحل جای محمد جهان‌آرا واقعا شاهکار گویندگی می‌کند. تمام مظلومیت کاراکتر محمد جهان‌آرا در صدای ناظریان مشهود است. خواهش می‌کنم مردم دوباره این فیلم را ببینند و تلویزیون این فیلم را دوباره پخش کند. تمام مظلومیت پرسوناژ جهان‌آرا در صدای ناظریان متجلی است، وقتی حرف می‌زند تو این حس را نداری که تمام این بازی این کاراکتر بستگی به صدای گوینده دارد. تمام تنهایی او را حس می‌کنی. تمام دیالوگ‌های ملاقلی پور را با صدایش تراشیده است و تحویل مخاطب می‌دهد. حالا هی بکوبیم توی سر دوبلورها و با این دستمزدهای پایین به سخره‌شان بگیریم.

■ **انجمن اصلی کاری از دستش برنمی‌آید؟**

انجمن چکار باید بکند. وزارت ارشاد باید این بساط مکاره که نفع آن توی جیب ماهواره‌ها می‌رود را جمع کند. انجمن کار صنفی می‌کند و امتحان خود را در مقاطع مختلف تاریخی پس از انقلاب پس داده است، عمر دوبله بعد از انقلاب بیشتر از قبل از انقلاب بوده است. در مقابل وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز نشر و آموزش به هر سندیکای غیرمرتبط نباید بدهد. چطور است که سیستم انجمن گویندگان جوان که خودش حرفی برای گفتن در عرصه دوبله ندارد یکسری جوان آموزش می‌دهد، جیب‌های آنان را خالی می‌کند و به قصد اینکه من شما را گوینده و دوبلور می‌کنم آنها را به سمت مالزی و گرجستان و امارات (پایگاه‌های ماهواره‌ای) هدایت می‌کند و هیچ مسؤولی صدایش هم در نمی‌آید! چرا چنین اتفاقی باید رقم بخورد ؟ این آقا در آن انجمن جیب بچه‌های مردم را می‌زند تا به آنها آموزش دوبله دهد و پس از فرآیند آموزش دوبله نیروهای مستعد را به گرجستان، تاجیکستان و مالزی و امارات ترانسفر می‌کند. در کشور خودمان بود اینقدر مشکلات اخلاقی پیش می‌آمد حالا آنطرف، خدا رحم کند. کسی نیست جلوی این شخص را بگیرد تا استعدادهای این مردم را به سمت چاله سیاه شیطان هدایت نکند. مسؤول جذب و آموزش دوبله انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم است و هیچ نوع منفعت مالی از این قضیه نمی‌برد، هیچ پولی نمی‌گیرد. بلکه عامل اشتغالزایی در این حرفه است. سندیکای انتفاعی مهرداد رئیسی نمی‌تواند متولی این کار باشد. من خواهشم از مسؤولان وزارت ارشاد این است که گلوگاه ترانسفر استعدادهای این مملکت تحت لوای آموزش به سمت پاتوق‌های شبکه‌های ماهواره‌ای در سایر کشورها را جمع کنند. متولی امر دوبله یعنی انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم. از سوی دیگر چه دلیلی دارد که تلویزیون بخشی از آثار خود را به گروه‌های منشعب از مهرداد رئیسی بدهد تا گویندگان خود در سندیکای اصلی بیکار باشند. می‌دانید چرا برخی گروه‌ها با قیمت پایین برای تلویزیون و رایگان برای شبکه نمایش خانگی کار می‌کنند؟ چون فعالیت‌های گروه‌هایی که عمدتا از رئیسی جدا شدند پوششی است که برای ماهواره‌ها کار کنند. رایگان دوبله هدیه می‌دهند، بدتر از مهرداد رئیسی، چرا؟ چون صدایشان در قالب فعالیت‌های داخلی شنیده شود تا از ماهواره سفارش بیشتری بگیرند! این رقابت است یا قتال دوبله؟! انجام دوبله فیلم و انیمیشن از طرف گروه‌های بدون مجوز فرصتی را برایشان فراهم می‌کند که سندیکای گویندگان تضعیف شود و کاری برای اعضا باقی نماند و گروه‌های دوبله ماهواره‌ای روز به روز تحت لوای فعالیت‌های مجاز افزایش یابند و کل بار فرهنگی بنا شده توسط سندیکای اصلی گویندگان طی ۵ آینده سال نابود شود، مطمئن باشید تا ۵ سال دیگر کلا دوبله مجاز تعطیل می‌شود.

> من خواهشم از مسؤولان وزارت ارشاد این است که گلوگاه ترانسفر استعدادهای این مملکت تحت لوای آموزش به سمت پاتوق‌های شبکه‌های ماهواره‌ای در سایر کشورها را جمع کنند. متولی امر دوبله یعنی انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم

■ **برای احیای وضعیت دوبله چه راهکارهایی قابل توصیه است؟**

زمانی که تعداد آثاری که مجوز دوبله بگیرند زیاد باشد، دستمزدها بیشتر شود، ویدئو رسانه‌ای‌ها به انجمن غیرقانونی کاری را برای دوبله واگذار نکنند، سینماها فیلم خارجی وارد کنند و توده‌ها از انحصار خورشت شور فیلمسازان ایرانی رها شوند و زنجیره‌های ماهواره‌ای بشکند شاید اتفاقی تازه در عرصه دوبله بیفتد. من شنیدم که آقای داوودنژاد در عدم نمایش فیلم‌های خارجی پس ازانقلاب تاثیر فراوانی داشتند و مثلا آمده‌اند در آن شرایط و فضا گفته‌اند کاسه و کوزه‌تان را جمع کنید و دیگر فیلم خارجی نمایش ندهید. نمایش فیلم‌های خارجی در سینماها تعطیل شد، آقای داوودنژاد چه کار شاخصی ارائه کرده‌اید؟! کلاس هنرپیشگی! شما اسمش را فیلم می‌گذارید؟! اگر کلاس هنرپیشگی فیلم است پس مثلا ۱۲ سال بردگی اسمش چیست؟ جاذبه چیست؟نمی‌خواهی بگویی که همه مردم دنیا خر هستند و نمی‌فهمند و فقط من می‌فهمم، منظورت که این نیست؟!یعنی حول و حوش یک میلیارد آدم که نشسته‌اند این فیلم را دیده‌اند همه نفهم بودند؟! فقط شما و خانواده‌تان می‌فهمید؟! اگر کلاس هنرپیشگی فیلم است پس جاذبه آلفونسو کوآرون نامش چیست؟! همه را ببندیم و آقای داوودنژاد بیاید یک شو اجرا کند از اعضای خانواده‌اش و بعد اسمش را بگذارد فیلم؟! قبول داری الان اگر فیلم خارجی همزمان با «چ» اکران می‌شد قطعا مخاطب فیلم چ ۱۰ برابر می‌شد؟

دیدگاه

در ددل ایرانمنش همزمان با سالروز انتخابات ۲۴ خرداد

منتقد احمدی‌نژادم اما از رأی به روحانی پشیمانم!

رضا ایرانمنش از بازیگران جانباز ۸ سال دفاع مقدس در گفت‌وگویی با سینماپرس در اظهارات صریحی نسبت به وضعیت فرهنگی دولت یازدهم انتقاداتی مطرح کرده است. آنچه در پی می‌خواهد آمد سخنان صریح و بی‌پرده این بازیگر فرهیخته سینما نسبت به عملکرد فرهنگی دولت یازدهم است.

■ در دولت احمدی‌نژاد بر این عقیده بودم که او به هیچ عنوان به هنر و هنرمند اهمیت نمی‌دهد اما راه گفتن این موضوع به رئیس‌جمهور و زیردستان او برای همه ما باز بود. چه بسا خود من بارها این موضوع را به او گفتم و درددل کردم و او حداقل کاری که می‌کرد، گوش دادن به حرف‌های ما بود اما متاسفانه آقای روحانی از زمانی که آمده همین حداقل کار را هم برای ما انجام نداده است. من منتقد احمدی‌نژاد بودم اما از رأی دادن به روحانی پشیمانم!

■ از ابتدا هم دوست نداشتم وارد گروه‌های سیاسی راستی و چپی شوم و به همین خاطر هم آدم‌های سیاسی را نمی‌شناسم و نمی‌دانم کدامیک راستی و کدامیک چپی هستند و خود را درگیر این ماجراها نکردم لذا همیشه سعی داشتم که حرفم را بگویم و از کسی هم بیمی نداشته باشم. امروز می‌خواهم فریاد بزنم و به مسؤولان بگویم انصاف و معرفت‌تان کجا رفته است؟ شما با هنر می‌توانید به خیلی از خواسته‌های خود دست پیدا کنید، می‌توانید از طریق هنر و هنرمند کمی هم به درد جامعه برسید، حتی می‌توانید از طریق هنر حجاب و فضای مجازی و اینترنتی که این روزها غصه آن را می‌خورید را درست کنید.

■ متاسفانه بی‌عدالتی زیاد است. برخی از کسانی که در صدر امور قرار گرفته‌اند و تصمیم‌گیری می‌کنند، هیچ آگاهی از دردهای جامعه و هیچ تخصصی در رفع‌مشکلات آنها ندارند و دردهای مردم را درک و حس نمی‌کنند. چه بسا در امر هنر نیز برخی متولیان درکی از هنر و هنرمند ندارند زیرا متعهد و متخصص به کار خود نیستند.

■ احمدی‌نژادی که امروز همه ادعا می‌کنند در دولت او فساد اقتصادی بوده است، حداقل من به عنوان یک هنرمند در ۴ سالی که بیکار بودم، می‌توانستم پیش او بروم و با زدن حرف دلم خالی شوم و او هم گوش می‌داد اما آقای روحانی! از لحظه‌ای که آمدید یک لحظه هم خزانه دولت خالی نبوده است، از لحظه‌ای که آمدید همه چیز را از اقتصاد تا اعتبار کشور زیر سوال بردید، امشب یک حرف می‌زنی و فردا حرفی دیگر! اگر تعامل نداری تعادل داشته باش! آقای روحانی، برادر بزرگوار من! در این یک سال راه را کج رفته‌ای اما اگر در این فکر هستی که در سه سال باقی‌مانده از حکومت خود همین راه را ادامه بدهی مملکت را بیش از این از بین خواهی برد.

■ زمانی که آقای روحانی آمدند ادعا کردند به بدنه دولت دست نخواهند زد و تنها یک تعدادی را تغییر می‌دهند اما برخلاف حرف خود، دون‌پایه‌ترین آدم‌ها را نیز تغییر دادند و وعده‌ات چیز دیگری را نشان می‌دهد در صورتی که احمدی‌نژاد تنها وزرا و معاونان را عوض کرد نه تمام آدم‌های داخل اداره‌ها را، چرا باید وقتی کسی ۴ سال در سمت خود کارکشته شده است و چم و خم کار را یاد گرفته تغییر کند و باز روز از نو و روزی از نو؟!

■ آقای رئیس‌جمهور نیازی نیست که چهار شب به یک مناسبت به چهار خانواده جانباز سر بزنید و تلویزیون هم پخش کند. جانبازها را ابزار سیاست‌های خود نکنید. اگر راست می‌گویید مانند فرمانده لشکر محمدرسول‌الله(ص) هر هفته به یکی از این خانواده‌ها سر بزنید تا میلیون‌ها جانباز دیگر با دیدن شما در تلویزیون حسرت نخورند که چرا به آنها سر نمی‌زنید. ۹۹ درصد کسانی که امروز شهید گمنام هستند به خاطر اینکه بعد از شهادت خود ریا نکرده باشند پلاک‌های خود را گم و گور می‌کردند و با خود عهد می‌بستند که پیدا نشوند تا شهادتشان خالصانه باشد و می‌گفتند راضی نیستیم حتی سنگ قبری به نام ما وجود داشته باشد. آقای رئیس‌جمهور، آقای معاون رئیس‌جمهور، آقای وزیر و رئیس بنیاد جانبازان! به همه شما می‌گوییم بی‌ریایی را از بچه‌های جنگ یاد بگیرید. سخت زندگی کردن و مشکلات هنرمندان باعث آبروریزی کشور است. چرا باید عاقبت ما این باشد؟ چرا از حرف فلان شخصی که از ایران رفته، ناراحت می‌شوید؟ شما خودتان آنها را به اینجا رسانده‌اید. اگر ایمان می‌آوردید که همان شخصیت یک فردی است که در هر دوره‌ای و با هر حکومت، دولت و سیاستی نگرش خدمتگزارانه خود را دارد و از فکر و هنر او بهره می‌برید امروز همان شخص از فلان شبکه تلویزیونی خارج سر درنمی‌آورد.